

## فراوانی کلامیدیا تراکوماتیس در بیماران مبتلا به ورم ملتحمه بهاره

\* دکتر محمد رضا روحانی \* دکتر فرزانه قاسم زاده

### چکیده

در این بررسی به منظور تعیین ارتباط ورم ملتحمه بهاره (VKC) با میزان آلوگی به کلامیدیا تراکوماتیس ابتدا به روش غیر احتمالی آسان تعداد ۲۰۰ نفر از مراجعین به مرکز چشم پزشکی الزهراء زاهدان انتخاب شدند. تعداد یکصد نفر بعنوان مورد از افراد با تشخیص کلینیکی ورم ملتحمه بهاره و یکصد نفر نیز بعنوان شاهد افرادی بودند که بعلت اختلالات اکتساری (DIF) مراجعته کرده بودند. در کلیه افراد گروه مورد و شاهد از هر دو چشم اسپر تهیه و به روش ایمونوپلورستن مستقیم (IM) مورد آزمایش قرار گرفت. افراد هر دو گروه سنی در محدوده سنی ۵ تا ۲۵ سال بودند. میزان آلوگی کلامیدیا در گروه مورد چهار نفر (۷٪) و در گروه شاهد یک نفر (۱٪) بود. از ۵ مورد آلوگی ۳ نفر دختر و یک نفر پسر بودند. ۳ نفر در گروه سنی ۱۰ تا ۱۵ سال و یک نفر در گروه سنی ۵ تا ۱۰ سال بود. در این مطالعه میزان آلوگی چشم افراد مبتلا به ورم ملتحمه بهاره با کلامیدیا تراکوماتیس در مقایسه با سایر مراجعین اختلاف معنی داری نداشت. با اینحال از نظر بالینی همراهی آلوگی و ورم ملتحمه باستی مورد توجه قرار گیرد. (محله طبیب شرق، سال سوم، شماره ۱ بهار، ص ۳۵ تا ۳۸)

**کل واژه‌ها:** کلامیدیا تراکوماتیس، ورم ملتحمه بهاره، ایمونوپلورسانس مستقیم

### مقدمه

می‌شود. خارش علامت بالینی اصلی بیماری است، بطوریکه در جنوب شرقی ایران و در منطقه جغرافیایی مورد مطالعه‌福德ان آن تشخیص بیماری ورم ملتحمه بهاره را زیر سوال می‌برد. از علائم بالینی دیگر، اشکریزش و ترس از نور است. (۱) ورم ملتحمه بهاره بصورتهای پلکی، لیمبال و مخلوط دیده می‌شود و از نشانه‌هایی که در معاینه بیماران می‌توان یافت واکنش پاپیلاری ملتحمه تارسال فوکانی (۲)، پانوس قرنیه، خراشیدگی‌های نقطه‌ای قسمت فوقانی و مرکزی قرنیه و زخم‌های اپی‌تیالی غیر عفونی (۳) با استریومای کدر را می‌توان نام برد. (۴) تراخیم از بیماریهای عفونی چشم است که از حدود ۳۰۰۰ سال قبل شناخته شده است. حدود ۷۰۰ میلیون نفر در دنیا به آن مبتلا بوده که ۲۰۰ میلیون نفر از آنها نایینا می‌باشند.

ورم ملتحمه بهاره یک بیماری مزمن و دو طرفه ملتحمه است و اشخاصی که زمینه اتوپیک دارند مستعد این بیماری هستند. (۱-۳) تعریف و تاریخچه دقیق این بیماری در سال ۱۹۸۸ منتشر شد. (۲) این بیماری معمولاً قبل از سن ۱۰ سالگی شروع می‌شود و مدت ۲ تا ۱۰ سال طول می‌کشد و گاهی سیر ۲۴ ساله دارد. (۲) قبل از بلوغ نسبت ابتلاء در جنس مذکور دو برابر جنس مؤنث است و دو سوم بیماران با ورم ملتحمه بهاره، سابقه فامیلی اتوپی، رینیت آлерژیک، آسم برونшиال، اگزما و آرژی محیطی دارند. (۳) ولی تاکنون عامل اتیولوژیک اصلی ورنال پیدا نشده است. عارضه بیشتر در مناطق با آب و هوای گرم، آسیای میانه و مدیترانه و آمریکای جنوبی اتفاق می‌افتد. گاهی فصلی و در بعضی مناطق در تمام طول سال مشاهده

گروه شاهد نیز ۱۰۰ نفر بودند و از بین مراجعینی که بدليل عیوب انکساری مراجعه کرده بودند، انتخاب شدند. این افراد مبتلا به ورم بهاره نبودند. گروه شاهد و مورد از نظر محدوده سنی همسان (۶ تا ۵۵ ساله) بودند. محدودیت جنسی در این مطالعه وجود نداشت. در طول ۲ ماه قبل از مطالعه هیچکدام از افراد از آنتی بیوتیک عمومی استفاده نکرده بودند. نهایتاً پس از انتخاب افراد مورد و شاهد از تمامی ۲۰۰ نفر توسط فرد مجرب اسمیر ملتحمه از هر دو چشم روی لام مخصوص ایمنوفلورست مستقیم تهیه شده و پس از خشک شدن و فیکس کردن نمونه ها توسط یک نفر مجرب که اطلاعی از گروه مربوطه لام مورد آزمایش نداشت به روش ایمنوفلورست مستقیم مورد آزمایش قرار گرفت و موارد مثبت و منفی ثبت گردید.

## نتایج

در گروه بیماران مبتلا به ورم ملتحمه بهاره (مورد) از ۱۰۰ نفر ۵۷ نفر مذکور و ۴۳ نفر مؤنث بودند. تمام این افراد از علائم بالینی خارش چشم ها شاکی بودند ۸۳ درصد قرمزی چشم، ۶۴ درصد تاری دید و ۴۵ درصد عیوب انکساری داشتند. در این گروه ۳۸ درصد سابقه خارش چشمها و بیماری تقریباً مشابه را در خانواده خود بعنوان سابقه ذکر کردند. در گروه شاهد که ۱۰۰ نفر بودند، نفر مذکور و ۴۰ نفر مؤنث بودند. ۷ نفر از نظر علائم بالینی چشمی این گروه نیز دقیقاً بررسی شدند که ۱۵ درصد از خارش چشم ها شاکی بودند. ۱۰ درصد قرمزی چشم داشتند. ۹۱ درصد آنها تاری دید و ۸۰ درصد عیوب انکساری داشتند. ۲۴ درصد سابقه فامیلی عیوب انکساری در افراد خانواده داشتند. در خانواده ۱۵ درصد افراد گروه شاهد شکایت از خارش چشم ها وجود داشت. اطلاعات مربوطه در نمودار یک نمایش داده شده است. از ۱۰۰ نفر گروه بیمار ۴ نفر آلودگی چشمی کلامیدیاتراکوماتیس داشتند که ۳ نفر دختر و یک نفر پسر بودند و از نظر توزیع سنی در گروه مورد ۳ نفر در گروه سنی

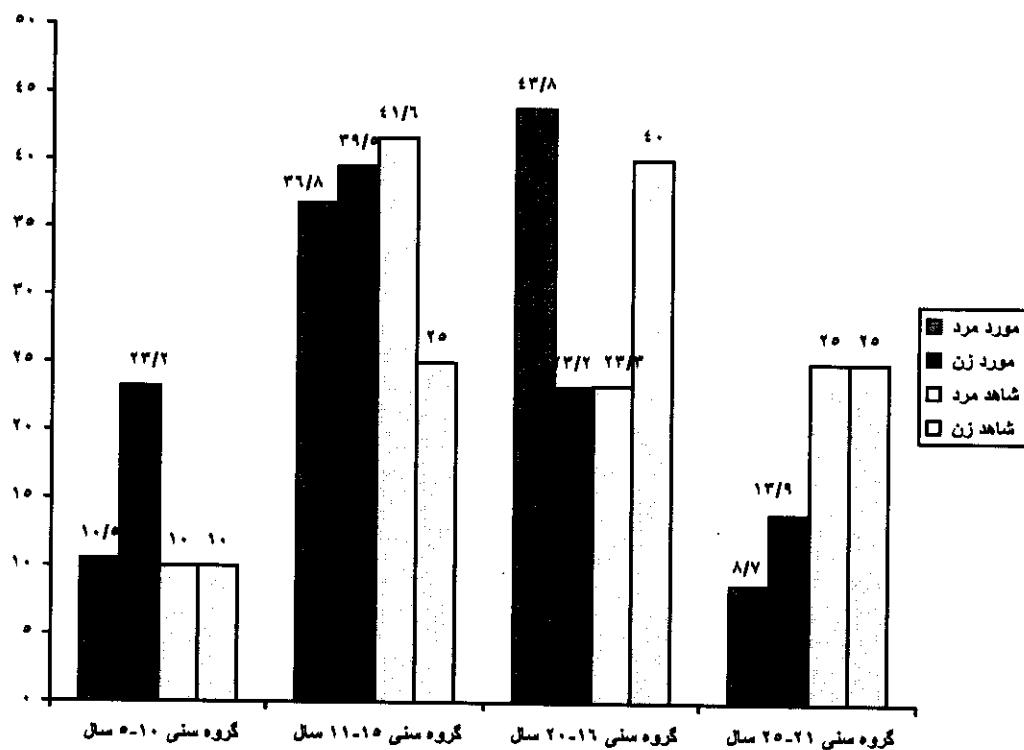
این بیماری مهمترین علت قابل پیشگیری نایابنایی در دنیاست. (۲)

در جنوب شرقی ایران و در منطقه جغرا فایابی مورد مطالعه بدليل شرایط آب و هوایی گرم و خشک، ورم ملتحمه بهاره از شیوع بالایی برخوردار است. همچنین در معاینه بالینی این افراد در خیلی از موارد علاوه بر واکنش پاپیلاری، فولیکول در ملتحمه تارسال فوقانی مشاهده می شود. اما فولیکول جزو علائم ورم ملتحمه بهاره نیست و به علت خارش چشم ها که تقریباً در تمام بیماران وجود دارد، احتمال انتقال عفونتهای مختلف از طریق دستهای آلوده بالاست. در مطالعاتی که انجام شده در کونژنکتیویت های آرژیک ردپایی از عوامل عفونی مختلف باکتریائی، ویرال و قارچی پیدا شده است. مطالعه حاضر آلودگی چشمی کلامیدیاتراکوماتیس در بیماران مبتلا به ورم ملتحمه بهاره را مورد بررسی قرار داده است. آزمایش ایمنوفلورست یکی از روش های ساده و تقریباً حساس ایمنولوژیکی است که برای بررسی کیفی و یا نیمه کیفی و در تعیین وجود شاخصهای آنتی ژنیک خاص در سطح سلولهای مختلف و برای تعیین وجود آنتی بادیهای اختصاصی علیه آنتی ژنهای سلولی استفاده می شود. روش ایمنوفلورست مستقیم به دلیل حساسیت ۸۰ درصد که مثل کشت اختصاصی است انتخاب شد و روش اختصاصی خوبی برای تشخیص کلامیدیا می باشد. (۳)

## روش کار

این مطالعه به مدت چهار ماه در مرکز چشم پزشکی الزهراء زاهدان انجام شده است. طی این مدت افراد جامعه مورد مطالعه با نمونه گیری غیر احتمالی ساده انتخاب شدند. بدین ترتیب که بدليل مشکل چشمی مراجعه نموده و در معاینه نشانه های ورم ملتحمه را داشتند در گروه بیمار (مورد) قرار گرفتند. در این رابطه معاینه افراد توسط اسلیت لامپ و تشخیص بیماری بر مبنای شواهد بالینی توسط متخصص چشم صورت گرفت.

۱۵-۱۰ سال و یک نفر در گروه سنی ۶ تا ۱۰ سال بود تنها فرد آلوده گروه شاهد یک دختر ۱۲ ساله بود.



نمودار ۱: توزیع فراوانی کلامیدیا در گروههای مورد بررسی بر حسب سن و جنس

بیماران به اثبات رسیده است. در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۹۲ انجام شده کولونیزاسیون استافیلوکوک طلایی در پلک بیماران اتوپیک مشاهده شد.<sup>(۷)</sup> همچنین نتایج مطالعه‌ای که در سال ۱۹۹۰ روی ۱۵۶ بیمار مبتلا به زخم قرنیه قارچی صورت گرفت نشان داد که ۲۶/۳ درصد آنها آرژی داشتند.<sup>(۸)</sup> مطالعه صورت گرفته در سال ۱۹۹۴ نشان داد که از ۳۰ نفر بیمار مبتلا به کوتزکیتویت آرژیک ۲۳ درصد و از ۲۰ نفر گروه کنترل ۵ درصد آلودگی به ویروس سیتیسیشیال تنفسی داشتند.<sup>(۹)</sup>

## بحث

در این مطالعه تعداد موارد آلودگی کلامیدیاتراکوماتیس در گروه بیمار نسبت به گروه شاهد حدود ۴ برابر بود ولی این اختلاف از نظر آماری معنی دار نبود. تاکنون هیچ مطالعه‌ای در مورد میزان آلودگی کلامیدیاتراکوماتیس در بیماران ورم ملتحمه بهاره در دنیا و ایران انجام نشده است ولی در بیماران ورنال و کسوئنکتیوتهاي آرژیک در مطالعات متعدد آلودگی باکتریائی، ویرال و قارچی در این

شایع مناطق گرمی‌شناختی و با درمان آن سیر طولانی مدت بیماری را کوتاه کرد و از درمان‌های اضافی و طولانی مدت که خود عوارض بعدی را بدباند دارند، کاسته شود.

### سپاسگزاری

از مدیریت و پرسنل محترم پژوهش که کمال همکاری را در رابطه با اجرای این طرح داشته‌اند بدینوسیله تقدیر بعمل می‌آید.

با توجه به اینکه عوامل عفونی در کوئنزنکیوشیتهاي آرژیک دیده شده است و در معاینه بیماران ورم ملتجمه گاهی واکنش فولیکولار ملتجمه تارسال فوکانی را مشاهده می‌کنیم و بدلیل خارش زیاد چشم‌ها احتمال انتقال عفونت توسط دستها به چشم وجود دارد با وجودی که رابطه آماری معنی داری در این مطالعه بین آلدگی چشمی کلامیدیا و بیماری ورنال وجود نداشت اما توصیه می‌شود مطالعات گسترده‌تری در این زمینه صورت گیرد. شاید عامل عفونی ایجاد کننده یا تشدید کننده‌ای در این بیماری

### References

### منابع

- 1-AK Pek ET, et al. A randomized trial of low - dose topical mitomycin - c in the treatment of severe vernal keratocconjunctivitis.*Ophthalmology* 2000;107:263-9.
- 2-Kruchmer J,et al. Corneal & External Disease- clinical - diagnosis and management. St.louis: Mosby Co.; 1997. Volume 2.p.811-3.
- 3-Kaufman H. The corena diseases. Second ed. Boston:Bufferworth.P.552-57.
- 4-Conjunctiva.In:American academy of ophtalmology.Basic&clinical sciences course.section 8,American academy of ophtalmology;1998-9.p.194-7.
- 5-Fujishima H,et al. Respiratory syncytial virus and allergic conjunctivitis. *Keio J med* 1994;43:201-5.
- 6-Grymson M. Disease of the corena .3rd ed. St. loise: Mosby Co.; 1991.p.445-52
- 7-Tuft SJ,et al. Role of staphylococcus aureus in chronic allergic conjunctivitis. *Ophthalmology* 1992; 99: 180-4.
- 8-Vaj payee RB,et al. Ocular atopy and mycotic keratitis .*Ann ophthalmol* 1990 ; 22: 369-72.